

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۳۴

آیه ۴۹ - ۵۱

آیه و ترجمه

قل یا ایها الناس انما انا لکم نذیر مبین ۴۹
فالذین امنوا و عملوا الصلحت لهم مغفرة و رزق کریم ۵۰
و الذین سعوا فی ایتنا معجزین اولئک اصحب الجحیم ۵۱
ترجمه :

۴۹ - بگو ای مردم من برای شما بیم دهنده آشکاری هستم.
۵۰ - آنها که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند آمرزش و روزی پر
ارزشی برای آنها است.
۵۱ - و آنها که (برای تخریب و محو) آیات ما تلاش کردند و چنین
می‌پنداشتند که می‌توانند بر اراده حتمی ما غالب شوند اصحاب دوزخند.
تفسیر:

رزق کریم

از آنجا که در آیات گذشته سخن از تعجیل کافران در عذاب الهی بود و
این مسأله‌ای است که تنها به مشیت ذات پاک خداوند مربوط می‌شود و حتی
پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را در آن اختیاری نیست، نخستین آیه
مورد بحث چنین می‌گوید: «بگو ای مردم! من تنها برای شما انداز کننده
آشکاری هستم» (قل یا ایها الناس انما انا لکم نذیر مبین).
اما اینکه در صورت سرپیچی و تخلف از فرمان الهی، کیفر و عذابش دیر یا
زود دامن شما را بگیرد، این مربوط به من نیست.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۳۵

بدون شک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم انداز کننده است، و
هم بشارت دهند، ولی تکیه کردن بر روی انداز در اینجا و عدم ذکر بشارت به
خاطر تناسب با مخاطبین مورد بحث است که آنها افراد بی ایمان و لجوجی
بودند که حتی مجازات الهی را به باد استهزاء می‌گرفتند.

اما در دو آیه بعد چهره‌ای از مسأله بشارت و چهره‌ای از انذار را ترسیم می‌کند و از آنجا که همواره رحمت و اسعه خدا بر عذاب و کیفرش پیشی دارد نخست از بشارت، سخن می‌گوید: «کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند آمرزش خدا و روزی پر ارزشی در انتظار آنها است» (فالذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم مغفرة و رزق کریم).
 نخست با آب آمرزش و مغفرت الهی شستشو داده و پاک می‌شوند، خاطری آسوده و وجدانی آرام از این ناحیه پیدا می‌کنند.
 سپس مشمول انواع الطاف و نعمتهای ارزشمند او می‌گردند.
 «رزق کریم» (با توجه به اینکه کریم به معنی هر موجود شریف و پر ارزش است) مفهوم وسیعی دارد که تمام نعمتهای گرانبهای معنوی و مادی را شامل می‌شود.
 آری خدای کریم در آن سرای کریم، انواع نعمتهای کریم را به بندهای مؤمن و صالحش ارزانی می‌دارد.
 راغب در کتاب «مفردات» می‌گوید: «کرم» معمولاً به امور نیک و پر ارزشی گفته می‌شود که بسیار قابل توجه است، بنابراین به نیکیهای کوچک کرم گفته نمی‌شود.
 و اگر بعضی «رزق کریم» را به معنی روزی مستمر و بی عیب و نقص، و بعضی به معنی روزی شایسته، تفسیر کرده‌اند همه در آن معنی جامع و کلی که اشیا

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۳۶

پر ارزش و قابل توجه است جمع می‌شود.
 و در آیه بعد اضافه می‌کند: «اما کسانی که برای تخریب و محو آیات الهی کوشش کردند و چنین می‌پنداشتند که می‌توانند بر اراده حتمی پروردگار غالب شوند، آنها اصحاب دوزخند» (و الذین سعوا فی آیاتنا معاجزین اولئک اصحاب الجحیم).
 حجیم از ماده «جحم» (بر وزن شرم) به معنی شدت برافروختگی آتش است و به شدت غضب نیز گفته می‌شود، بنابراین حجیم به معنی جایی است که آتش شعله‌ور و برافروخته‌ای دارد و اشاره به دوزخ است.

آیه ۵۲ - ۵۴

آیه و ترجمه

و ما اءرسلنا من قبلک من رسول و لا نبی الا اذا تمنى اءلقى الشیطن فى اءمنیته فینسخ الله ما یلقى الشیطن ثم یحکم الله اءیته و الله علیم حکیم ۵۲
لیجعل ما یلقى الشیطن فتنة للذین فى قلوبهم مرض و القاسية قلوبهم و ان الظلمین لفى شقاق بعید ۵۳
و لیعلم الذین اءوتوا العلم اءنه الحق من ربک فیؤمنوا به فتخبت له قلوبهم و ان الله لهاد الذین اءمنوا الى صراط مستقیم ۵۴

ترجمه :

۵۲ - ما هیچ رسول و پیامبری را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه هر گاه آرزومی کرد (و طرحی برای پیش برد اهداف الهی خود می ریخت) شیطان القائاتی در آن می کرد، اما خداوند القائات شیطان را از میان می برد سپس آیات خود را استحکام می بخشید و خداوند علیم و حکیم است.

۵۳ - هدف از این ماجرا این بود که خداوند القای شیطان را آزمونی برای آنها که در قلبشان بیماری است و آنها که سنگدلند قرار دهد، و ظالمان در عداوت شدیدی

دور از حق قرار گرفته اند.

۵۴ - و نیز هدف این بود کسانی که خدا آگاهی به آنان بخشیده بدانند این حقی است از سوی پروردگار تو، در نتیجه به آن ایمان بیاورند و دلهایشان در برابر آن خاضع گردد و خداوند کسانی را که ایمان آوردند به سوی صراط مستقیم هدایت می کند.

تفسیر:

وسوسه های شیاطین در تلاشهای انبیا

از آنجا که در آیات گذشته سخن از تلاش و کوشش مشرکان و کافران برای محو آئین الهی و استهزاء و سخریه آنها نسبت به آن در میان بود، در آیات مورد بحث هشدار می دهد که این توطئه های مخالفان برنامه تازه ای نیست، همیشه این القائات شیطانی در برابر انبیا بوده و هست.

نخست چنین می گوید: «ما هیچ رسول و پیامبری را پیش از تو نفرستادیم مگر اینک هر گاه آرزو می کرد و طرحی برای پیشبرد اهداف الهی خود می کشید شیطان، القائاتی در آن طرح می کرد» (و ما ارسلنا من رسول و لا نبی الا اذا تمنی القی الشیطان فی امنیته). اما خداوند پیامبر خود را در برابر هجوم این القائات شیطانی تنها نمی گذاشت «خداوند القائات شیطان را از میان می برد، سپس آیات خود را استحکام می بخشید» (فینسخ الله ما یلقى الشیطان ثم یحکم الله آیاته). و این کار برای خدا آسان است چرا که «خداوند علیم و حکیم می باشد» و از همه این توطئه ها و نقشه های شوم با خبر است و طرز خنثی کردن آنها را به خوبی می داند (و الله علیم حکیم). ولی همواره این توطئه های شیطانی مخالفان، میدان آزمایشی برای آگاهان و مؤمنان و کافران تشکیل می داد، لذا در آیه بعد اضافه می کند: «این ماجراها

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۳۹

برای این بود که خداوند القای شیطان را آزمونی برای آنها که در قلبشان بیماری است و آنها که سنگدلند قرار دهد» (لیجعل ما یلقى الشیطان فتنة للذین فی قلوبهم مرض و القاسية قلوبهم). «و ظالمان بیدادگر در عداوت و مخالفت شدیدی دور از حق قرار گرفته اند» (وان الظالمین لفی شقاق بعید). و نیز «هدف از این ماجرا این بود آنها که عالمند و آگاه، حق را از باطل تشخیص دهند، و برنامه های الهی را از القائات شیطانی جدا سازند و در مقایسه با یکدیگر بدانند که آئین خدا حق است، و از سوی پروردگار تو است، در نتیجه به آن ایمان آوردند و دلهایشان در برابر آن خاضع گردد» (و لیعلم الذین اوتوا العلم انه الحق من ربک فیؤمنوا به فتخبت له قلوبهم). البته خدا این مؤمنان آگاه و حق طلب را در این مسیر پر خطر تنها نمی گذارد بلکه «خداوند افرادی را که ایمان آوردند به سوی صراط مستقیم هدایت می کند» (و ان الله لهاد الذین آمنوا الی صراط مستقیم).

نکته ها:

۱- القات شیطان چیست

آنچه در بالا در تفسیر آیات فوق گفتیم هماهنگ با نظرات جمعی از

محققین است، با این حال احتمالات دیگری در تفسیر آیه نیز ذکر شده: از جمله اینکه «تمنی» و «امنی» به معنی تلاوت و قرائت است، چنانکه در اشعار عرب گاه به این معنی آمده، بنابراین، آیه و ما ارسلنا من قبلك من رسول... می گوید «تمام پیامبران پیشین و انبیاء به هنگامی که کلمات خدا را بر مردم می خواندند شیاطین (مخصوصا شیاطین از نوع بشر) در لابلاى سخنان آنها القائاتی می کردند

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۴۰

و مطالبی برای انحراف افکار عمومی در لابلاى آن می گفتند تا اثرات هدایت بخش آنها را خنثی کنند، اما خداوند این القائات شیطانی را محو و نابود می کرد و آیات خود را استحکام می بخشید».

البته این تفسیر با جمله ثم يحکم الله آیاته هماهنگی دارد، و با افسانه «غرائق» که بعدا می آید (طبق بعضی از توجیهات) سازگار است، ولی مهم این است که «تمنی» و «امنی» کمتر به معنی تلاوت آمده تا آنجا که در آیات قرآن در هیچ موردی در این معنی به کار نرفته است. ریشه اصلی «تمنی» که از ماده «منی» (بر وزن مشی) گرفته شده، در اصل به معنی تقدیر و فرض است، و اگر نطفه انسان و حیوانات را «منی» می گویند به خاطر این است که صورت بندی از طریق آن انجام می گیرید، و اگر به مرگ «منیة» گفته می شود به خاطر آن است که اجل مقدر انسان در آن فرا می رسد آرزوها را از این رو «تمنی» می گویند که انسان تقدیر و تصویر آن را در ذهن خود می گیرید، نتیجه اینکه ریشه اصلی این کلمه همه جا به «تقدیر و فرض و تصویر» باز می گردد.

البته «تلاوت» را می توان به نوعی با این معنی ارتباط داد و گفت: تلاوت عبارت از تقدیر و تصویر الفاظ می باشد، ولی ارتباطی است بسیار دور که کمتر در کلمات عرب اثری از آن دیده شده است.

اما معنی گذشته که در تفسیر آیه گفتیم، (طرحها و برنامه های پیامبران برای پیشبرد اهداف الهی) تناسب زیادی با معنی ریشه ای «تمنی» دارد. سومین احتمالی که در تفسیر آیه فوق از سوی بعضی از مفسران اظهار شده این است که منظور اشاره به پاره ای «از خطورات و وسوسه های شیطانی» است که گاه در یک لحظه زودگذر در میان افکار پاک و نورانی انبیاء افکنده

می‌شد، اما چون آنها دارای مقام عصمت بودند و با نیروی غیبی و امداد الهی تقویت می‌شدند

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۴۱

خدا این خطورات زودگذر و القائنات شیطانی را از صفحه افکارشان محو می‌کرد و آنها را در همان صراط مستقیم پیش می‌برد. این تفسیر نیز با آیات دوم و سوم مورد بحث چندان سازگار نیست، چرا که قرآن این القائنات شیطانی را وسیله آزمایش کافران و آگاهی مؤمنان می‌شمرد در حالی که خطورات قلبی پیامبران که بزودی محو می‌شود چنین اثری نمی‌تواند داشته باشد. از مجموع آنچه گفتیم روشن می‌شود که تفسیر اول از همه مناسبتر است، که در حقیقت اشاره به فعالیتهای شیاطین و وسوسه‌های آنها در برابر برنامه‌های سازنده انبیاء است چرا که آنها همیشه می‌خواستند با القائنات خود این برنامه‌ها و تقدیرها را بهم بزنند، اما خدا مانع از آن می‌شد.

۲- افسانه ساختگی غرانیق!

در بعضی از کتب اهل سنت روایات عجیبی در اینجا از ابن عباس نقل شده که: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در مکه مشغول خواندن سوره النجم بود، چون به آیاتی که نام بتهای مشرکان در آن بود رسید (افراء یتم اللات و العزی و منات الثالثة الاخری در این هنگام شیطان این دو جمله را بر زبان او جاری ساخت: تلک الغرانیق العلی، و ان شفاعتهن لترتجی!). (اینها پرندگان زیبای بلند مقامی هستند و از آنها امید شفاعت است!). در این هنگام مشرکان خوشحال شدند و گفتند محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) تاکنون نام خدایان ما را به نیکی نبرده بود، در این هنگام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سجده کرد و آنها هم سجده کردند، جبرئیل نازل شد و به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اخطار کرد که این دو جمله را من

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۴۲

برای تو نیاورده بودم، این از القائنات شیطان بود در این موقع آیات مورد بحث (وما ارسلنا من قبلک من نبی...) نازل گردید و به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مؤمنان هشدار داد!

گر چه جمعی از مخالفان اسلام برای تضعیف برنامه‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به گمان اینکه دستاویز خوبی پیدا کرده‌اند این قضیه را با آب و تاب فراوان نقل کرده و شاخ و برگهای زیادی به آن داده‌اند ولی قرائن فراوان نشان می‌دهد که این یک حدیث مجعول و ساختگی است که برای بی اعتبار جلوه دادن قرآن و کلمات پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) وسیله شیطان صفتان جعل شده است زیرا:

اولا - به گفته محققان، راویان این حدیث افراد ضعیف و غیر موثقند، و صدور آن از ابن عباس نیز به هیچوجه معلوم نیست، و به گفته محمد بن اسحاق این حدیث از مجعولات زناده می‌باشد و او کتابی در این باره نگاشته است. ثانيا - احادیث متعددی در مورد نزول سوره نجم و سپس سجده کردن پیامبر و مسلمانان در کتب مختلف نقل شده، و در هیچیک از این احادیث سخنی از افسانه غرائب نیست، و این نشان می‌دهد که این جمله بعدا به آن افزوده شده است.

ثالثا - آیات آغاز سوره نجم صریحا این خرافات را ابطال می‌کند آنجا که می‌گوید ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی: پیامبر از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید آنچه می‌گوید تنها وحی الهی است این آیه با افسانه فوق چگونه سازگار است؟

رابعا - آیاتی که بعد از ذکر نام بتها در این سوره آمده، همه بیان مذمت

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۴۳

بتها و زشتی و پستی آنها است و با صراحت می‌گوید: اینها اوهامی است که شما با پندارهای بی اساس خود ساخته‌اید و هیچگونه کاری از آنها ساخته نیست (ان هی الا اسماء سمیتموها انتم و آبائکم ما انزل الله بها من سلطان ان یتبعون الا الظن و ما تهوی الانفس و لقد جائهم من ربهم الهدی). با این مذمتهای شدید چگونه ممکن است چند جمله قبل از آن، مدح بتها شده باشد بعلاوه قرآن صریحا یادآور شده که خدا تمامی آن را از هر گونه تحریف و انحراف و تضییع حفظ می‌کند چنانکه در آیه ۹ سوره حجر می‌خوانیم: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون».

خامسا - مبارزه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با بت و بت پرستی یک مبارزه آشتی ناپذیر و پیگیر و بی وقفه از آغاز تا پایان عمر او است، پیغمبر (صلی

الله‌علیه و آله و سلم) در عمل نشان داد که هیچگونه مصالحه و سازش و انعطافی درمقابل بت و بت پرستی - حتی در سخت ترین حالات - نشان نمی‌دهد، چگونه ممکن است چنین الفاظی بر زبان مبارکش جاری شود. و سادسا - حتی آنها که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را از سوی خدائی دانند و مسلمان نیستند او را انسانی متفکر و آگاه و مدبر می‌دانند که در سایه تدبیرش به بزرگترین پیروزیها رسید، آیا چنین کسی که شعار اصلیش لا اله الا الله و مبارزه آشتی ناپذیر با هر گونه شرک و بت پرستی بوده، و عملا نشان داده‌است که در ارتباط با مسأله بتها حاضر به هیچگونه سازشی نیست، چگونه ممکن است برنامه اصلی خود را رها کرده و از بتها این چنین تجلیل به عمل آورد؟!

از مجموع این بحث بخوبی روشن می‌شود که افسانه غرائق ساخته و پرداخته دشمنان ناشی و مخالفان بیخبر است که برای تضعیف موقعیت قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین حدیث بی اساس را جعل کرده‌اند. لذا تمام محققان اسلامی اعم از شیعه و اهل تسنن این حدیث را قویا نفی

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۴۴

و تضعیف کرده‌اند و به جعل جاعلین نسبت داده‌اند. البته بعضی از مفسران توجیهی برای این حدیث ذکر کرده‌اند که بر فرض ثبوت اصل حدیث، قابل مطالعه بود و آن اینکه: «پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آیات قرآن را آهسته و با تأنی می‌خواند، و گاه در میان آن لحظاتی سکوت می‌کرد، تا دل‌های مردم آن را بخوبی جذب کند، هنگامی که مشغول تلاوت آیات سوره نجم بود و به آیه «افراء یتم اللات و العزی و منات الثالثة الاخری» رسید بعضی از شیطان صفتان (مشرکان لجوج) از فرصت استفاده کرده و جمله تلک الغرائق العلی و ان شفاعتھن لترتجی را در این وسط با لحن مخصوصی سردادند تا هم دهن کجی به سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کنند و هم کار را بر مردم مشتبه سازند، ولی آیات بعد به خوبی از آنها پاسخ گفت و بت پرستی را شدیداً محکوم کرد».

و از اینجا روشن می‌شود اینک که بعضی خواسته‌اند داستان غرائق را نوعی انعطاف از ناحیه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به بت پرستان به خاطر سرسختی آنها و علاقه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به جذب

آنان به سوی اسلام بدانند و از این راه تفسیر کنند، مرتکب اشتباه بزرگی شده‌اند، و نشان می‌دهد که این توجیه‌گران موضع اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را در برابر بت و بت پرستی درک نکرده‌اند و مدارک تاریخی که می‌گوید دشمنان هر بهائی را حاضر شدند به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در این زمینه بپردازند و او قبول نکرد و ذره‌ای از برنامه خود عدول نمود ندیده‌اند، و یاعمدا تجاهل می‌کنند.

۳- فرق رسول و «نبی»

در مورد فرق میان «رسول» و «نبی» سخن بسیار است، آنچه مناسبتر

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۴۵

به نظر می‌رسد این است که «رسول» به پیامبرانی گفته می‌شود که مأمور تبلیغ و دعوت به آئین خود بوده‌اند، و چنانکه در حالات آنها می‌خوانیم از هر گونه کوشش و تلاشی در این راه فروگذار نکردند و انواع مشکلات را به جان خریدند.

اما «نبی» چنانکه از ماده اصلی این لغت پیدا است کسی است که از وحی الهی خبر می‌دهد، هر چند مأمور به تبلیغ گسترده نیست، و در واقع به طبیبی می‌ماند که دردمندان به سراغ او می‌روند و از او دارو و درمان می‌جویند، می‌دانیم شرائط محیطها و پیامبران با هم مختلف بوده و هر کدام مأموریتی داشتند.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۴۶

آیه ۵۵ - ۵۹

آیه و ترجمه

و لا یزال الذین کفروا فی مرية منه حتی تاءتیهم الساعة بغتة و یا ءتیهم عذاب یوم عقیم ۵۵

الملك یومئذ لله یحکم بینهم فالذین ءمنوا و عملوا الصلحت فی جنت النعیم ۵۶ و الذین کفروا و کذبوا بایتنا فاولئک لهم عذاب مهین ۵۷ و الذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا ءو ماتوا لیرزقنهم الله رزقا حسنا و ان الله لهو خیر الرزقین ۵۸

لیدخلنهم مدخلا یرضونه و ان الله لعلیم حلیم ۵۹

ترجمه :

- ۵۵ - کافران همواره در باره قرآن در شکند تا روز قیامت ناگهانی فرا رسد، یا عذاب روز عقیم (روزی که قادر بر جبران نیستند) به سراغشان بیاید.
- ۵۶ - حکومت و فرمانروائی در آن روز از آن خدا است، و بین آنها حکم می‌فرماید کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند در باغهای پر نعمت بهشتند.
- ۵۷ - و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند عذاب خوارکننده‌ای برای آنها است.
- ۵۸ - و کسانی که در راه خدا هجرت کردند سپس کشته شدند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفتند خداوند به آنها روزی نیکوئی می‌دهد که او بهترین روزی دهندگان است.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۴۷

- ۵۹ - خداوند آنها را در محلی وارد می‌کند که از آن خشنود خواهند بود و خداوند عالم و با حلم است.

تفسیر:

رزق حسن

در تعقیب آیات گذشته که سخن از تلاش و کوشش مخالفان برای محو آیات الهی می‌گفت در آیات مورد بحث، اشاره به ادامه این تلاشها از ناحیه افراد متعصب سرسخت می‌کند.

نخست می‌گوید: «کافران همواره در باره قرآن و آئین توحیدی تو در شک هستند، (تا روز قیامت) ناگهان فرا رسد، یا عذاب روز عقیم روزی که قادر بر جبران نیستند، به سراغشان بیاید» (و لا یزال الذین کفروا فی مرية منه حتی تاتیهم الساعة بغتة او یاتیهم عذاب یوم عقیم).

بعد ←

↑ فترت

→ قبل